

ایلیکینجیلر!

تورکمن حالقی نینگ ایلیکینجی زنان دکتری، مجلس وکیلی خانم دکتر مهین گرگانی و حقوقی عالیم دکتر منصور گرگانی نی یادلاپ

قولایدا ایلدشیمیز موسی جرجانی "اقتصاد گلستان" نشریه سینده تورکمن حالقی نینگ یاقین تاریخیندا ایز غالدیران ایکی شاخصیتینی تانیدیپدیر. یوقاری سوادلی دوغانلار مهین و منصور اوز دؤوری نینگ دوشونجه لی هم ایله- گونه باهیتلی آدملا بولوپ یتیشیپدیلر. اولارینگ داده لری بللی مأمده آخون گرگانی (جرجانی) دیر. ایلدشیمیزینگ موسی نینگ شول ماقالاسینی بیز دکومنتر هم صوراتلار بیلن بزآپ "تورکمنصحرا-اورگ" اینترنت سایتی نینگ اوقوچیلارینا حودورله یاریس. بیز تورکمن حالقی نینگ یاقین تاریخیندا رول اوینان شولار یالی شاخصیتلاری تانیتماق ایشینی و بو اوغورداقی درنگومیزی دوام اتدیریاریس. دکترلر مهین و منصور گرگانی نینگ صوراتلاری ایلیکینجی گزک شو سایت- دا پرلشدیریلدی. مقاله گؤنینگیزدن تورار دیین اومیت بیلن:
آقمیرات گورگنلی



(۱۳۷۶-۱۳۱۰)

خانم دکتر مهین دخت گرگانی، پزشکی متعهد، انساندوست، مؤمن و خادم بود. این پزشك گرگانی، سالها از زندگی خود را وقف بیماران و دردمندان کرده بود و اغلب بیماران، خاطرات خوبی از وی به یاد دارند. مهین گرگانی (جرجانی)، فرزند محمدآخوند گرگانی(جرجانی) است. دکتر مهین گرگانی در کنار چنین فردی روحانی، عالم و سیاستمدار بزرگ شد. محمدآخوند گرگانی در سالهای اقامتش در تهران با خانمی به نام طوبی نصرتی فرد ازدواج کرد، از این خانم چهار فرزند به نامهای دکتر منصور، دکتر مهین، بگنج و علیرضا گرگانی بدنیا آمدند. دکتر منصور و دکتر مهین گرگانی، دارفانی را وداع گفته‌اند، بگنج و علیرضا در تهران زندگی می‌کنند. طوبی خانم، مادر آنان نیز در سال ۱۳۶۷ در سن ۷۷ سالگی فوت کرد. دکتر مهین گرگانی، در سال ۱۳۱۰ در تهران متولد شد و تمام سال‌های تحصیلات ابتدایی، دبیرستانی و دانشگاهی خود را در

تهران گذراند. مرحوم محمدآخوند گرگانی، که اقامتگاه اصلی او روستای چن سولی، از توابع شهرستان آق قلا بود، دارای سه همسر ترکمن نیز بود. او علاقه زیادی به درس خواندن و باسواد شدن فرزندان خود و همه کودکان این مرزوبوم داشت و بیسواد را عامل همه بدبختی‌های مردم می‌دانست. به همین خاطر او همه مردم را به مدرسه فرستادن بچه‌های‌شان تشویق می‌کرد، خصوصاً در مورد درس خواندن و باسواد شدن دختران، تأکید زیاد داشت.

مهین‌دخت گرگانی، به‌رغم این مخالفت‌ها، به مدرسه رفت و درس خواند، دیپلم گرفت و به دانشگاه راه یافت و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، **به عنوان نخستین دختر زن، از ملت ترکمن و یک پزشک و مامای متخصص گرگانی، فارغ‌التحصیل شد** و بعدها مایه افتخار و مباهات مردم این دیار گشت. دکتر مهین، بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی خود، بلافاصله به گرگان آمد و در بیمارستان پهلوی آن زمان و پنج آذر فعلی، به‌عنوان نخستین دختر زن، در خدمت بیماران قرار گرفت. وی دو سال در گرگان بود و بعد از آن دوباره به تهران بازگشت.

دکتر مهین گرگانی در سال ۱۳۳۹ برای ادامه تحصیلات، افزایش دانش و اطلاعات علمی و پزشکی خود به انگلستان سفر کرد و در یکی از دانشگاه‌های لندن، در رشته طب کودکان سرگرم تحصیل گردید. او پس از سه سال تحصیل در این دانشگاه و کسب دانش و علوم جدید پزشکی و گذراندن دوره تخصصی در رشته بهداشت و تغذیه کودکان، در سال ۱۳۴۲ به ایران بازگشت. و بعد، نظر به علاقه و تعلق خاطر خاصی که به گرگان و مردم آن داشت، به گرگان آمد و به طبابت پرداخت. در آن سال‌ها مطب او در روبروی پارک شهر فعلی گرگان قرار داشت. او یک سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۳ با منوچهر نوازش، که از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی آن دوره بود، ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو دختر به نام‌های نیما و آتیگا بود. این دختران پس از پایان دوران تحصیلات متوسطه و اخذ مدرک دیپلم، برای ادامه تحصیلات خود، در رشته علوم پزشکی، عازم فرانسه شدند و در شهر پاریس به تحصیل خود ادامه دادند. خانم نیما نوازش در هاتجا با یک نفر ایرانی مقیم پاریس، و خانم آتیگا نیز با یک نفر فرانسوی ازدواج کرد و هر دو ماندگار شدند. متأسفانه آتیگا عمر طولانی نکرد و در جوانی بر اثر عارضه سرطان در آنجا درگذشت. نیما با همسرش هنوز در انگلستان زندگی می‌کند. مرحوم منوچهر نوازش، در سال‌هایی که در گرگان بود، مدیر روزنامه شمال ایران بود. این روزنامه به مرکزیت ساری فعالیت می‌کرد. آن مرحوم در نوشته‌های خود از حقوق از دست رفته مردم دفاع می‌کرد و از خلاف‌کاری‌ها و خیانت‌های مسوولان وقت منطقه می‌نوشت. و یک مقاله او با عنوان «تیمسار؟، شما چرا؟» و خطاب به تیمسار مزین، نماینده مخصوص شاه (از گلوگاه تا بجنورد) بسیار معروف بود. گفته می‌شود که او به‌خاطر همین انتقادات بارها به دادگاه و به نزد تیمسار مزین، نماینده شاه در منطقه احضار و بازجویی شد و چندین بار مورد بی‌حرمتی عوامل رژیم شاه قرار گرفت و زندگی‌اش به خطر افتاد. نوازش در سال ۱۳۵۰ بر اثر ابتلا به بیماری سرطان درگذشت.



به نقل از روزنامه شمال ایران (از آرشیو شخصی. آگ)

مهین‌دخت گرگانی، در انتخابات میان‌دوره‌ای گرگان در سال ۱۳۵۳ شرکت نمود. در آن زمان نماینده مردم گرگان مرحوم حسین قادریان بود که بر اثر تصادف اتومبیل درگذشته بود. مردم گرگان به پاس خدماتی که دکتر مهین برای آنان انجام داده بود، صادقانه به او رأی دادند و او را به مجلس فرستادند، تا او بتواند بیشتر به مردم خدمت نماید. **او اولین زنی بود که از منطقه گرگان و دشت به مجلس راه یافت.** مهین گرگانی، بعد از دوران نمایندگی مجلس، بقیه عمر خود را در تهران گذراند.

نایب رئیس - گزارش شعبه اول راجع بانتهایبات
 گرگان مطرح است خواهش میکنم مخبر شعبه تشریف
 بیاورند.
دکتر ناوی (مخبر شعبه اول) - بسم الله الرحمن الرحيم
 پرونده انتخابات مجدد حوزه انتخابیه گرگان در
 بیست و سومین دوره قانونگذاری حاکی است که
 فرمانداری آن شهرستان بدستور و وزارت کشور در اجرای
 ماده ۱۴۴ قانون انتخابات از سی و شش نفر طبقات ششگانه
 و معتمدین محل بمنظور تشکیل انجمن مرکزی نظارت
 بر انتخابات دعوت بعمل آورده و دعوت شدگان حاضر
 از بین خود اعضاء اصلی و علی‌البدل انجمن نظارت
 بر انتخابات را تعیین کرده‌اند و پس از انتخاب هیئت
 ولیسه و تشکیل شعب فرعی و انجام سایر تشریفات قانونی
 در روز جمعه ۵۲/۹/۹ اخذ رأی بعمل آمده و پس از
 قرائت آراء خانم دکتر مهین دخت گرگانی با اکثریت
 ۹۱۴۳ رأی از مجموع ۱۳۶۰۳ رأی برای بقیه دوره
 بیست و سوم قانونگذاری بنمایندهگی مجلس شورای ملی
 انتخاب شده‌اند.

در مدت يك هفته قبول شكایات يك فقره شكایت
 بدفتر انجمن واصل و غیر وارد تشخیص گردیده است و
 انجمن پس از صدور اعتبار نامه در تاریخ ۵۲/۹/۱۹
 بنام خانم دکتر مهین دخت گرگانی انحلال خود را اعلام
 داشته است.
 شعبه اول در جلسه روز سه شنبه ۱۳۵۲/۱۰/۴ پس
 از رسیدگی به محتویات پرونده باتوجه باینکه در مدت
 يك هفته مهلت مقرر برای قبول شكایت هیچگونه شكایتی
 نسبت بانتهایبات مجدد حوزه گرگان بمنجلس شورای
 ملی نرسیده بود صحت جریان انتخابات مجدد حوزه
 انتخابیه گرگان ونمایندهگی خانم دکتر مهین دخت گرگانی
 را تأیید کرد (نمایندهگان - مبارک است).
 اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی
 میگردد.
 مخبر شعبه اول - دکتر ناوی

مراسم تحلیف و بخشی از سخنرانی های مرجوم خانم دکتر مهین گرگانی
 در نطق های پیش از دستور مجلس شورای ملی (روزنامه مذاکرات مجلس شورای ملی. از آرشیو آ.گ)

جلسه ۱۹۸	دوره ۲۳	مذاکرات مجلس شورای ملی	اری ۵۲	صفحه ۷
ولیعده خانم دکتر گرگانی فرمائید.	دکتر مهین دخت گرگانی - با اجازه مقام محترم	ریاست، همکاران ارجمند روز بیست و نهم آذر ماه با	الراث تشریفاتی از نمایان اقتصاد و کشت رزی و صنعتی	داشته است (صحیح است).
علی‌حضرت شهناوی گرانقدر بود.	همکاران ارجمند، در عاتمه از خدمت استفاده	کرده به شنه‌ای از نیاتمندیهای حوزه انتخابیه خود	می‌پردازم:	
	۱ - در سال جاری کشاورزان ۴ کادو دشت	بعلت سقوط قیمت پنبه آسیب دیدند لای اصلت دولت	به این موضوع توجه کند هم اکنون قیمت زیادی از	محصول پنبه در گاو خانیجات مانده و ۴ پداری ندارد
	لازم است هر چه زودتر از طریق سپاسه های پولی و	اقتصادی کشاورزان مورد حمایت قرار رند لایقل هر	چه زودتر تمام پنبه‌های موجود در کاره نجات برسپاه	دولت خریداری شود تا لایقل محصول سال آینده



او علاوه بر این که در مطب خود که در بلوار کشاورز تهران قرار داشت و کودکان را معاینه و مداوا می‌کرد، در بیمارستان باهر تهران که در خیابان جمهوری قرار داشت، در خدمت بیماران و نیازمندان بود. مردم گرگان و خصوصاً اهالی ترکمن صحرا که قبلاً مراجعه‌کنندگان وی بودند و به او و کارش اطمینان زیادی داشتند، به تهران می‌رفتند و او همواره در خدمت مردم این منطقه بود و هر کاری که از دستش برمی‌آمد، برای بهبود حال بیماران خود، خواه در بیمارستان باهر و یا در بیمارستان‌های دیگر تهران، دریغ نمی‌کرد. اما متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب، دولت وقت او را به‌خاطر این که در نظام شاهنشاهی نماینده مردم گرگان بوده، بسیار اذیت کردند و حتی بعد از احضارها و آزارهای روحی، نسبت به این پزشک متعهد بی‌حرمتی‌های فراوان روا داشتند و به او فشار آوردند که تمام حقوق دریافتی از دوران نمایندگی مجلس را به دولت جدید (انقلابی) پس بدهد و او که مال اضافی در بساط خود برای پرداخت آن نداشت، مانده بود که چکار کند.

دکتر مهین‌گرگانی، همیشه در بیان خاطرات خود، از این برخوردها به‌عنوان بدترین خاطره دوران زندگی خود یاد می‌کرد و می‌گفت: من صادقانه بخش عمده‌ای از عمرم و تمام علم و دانش خود را برای سلامتی کودکان مردم این کشور صرف نمودم و متأسفانه آخر سر پاداش من این شد، این نحوه برخورد با من بسیار بی‌انصافی و به دور از انسانیت بود. او بعد از این واقعه که بسیار متأثر و ناامید شده بود، سرش را پایین انداخت و به کار مطب و بیمارستان پرداخت و از تمام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دست کشید. این پزشک خادم، از این همه بی‌حرمتی که نسبت به او روا شده بود و او هرگز تصور آن را نداشت، به ناراحتی و رنج روحی شدید دچار شد. مدتی بعد به بیماری سرطان مبتلا شد و بالاخره در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۸ دار فانی را وداع گفت، در حالی که مردم این منطقه هنوز هم در هر مجلس و محفلی، از متانت، دیانت، خوش اخلاقی، انسان‌دوستی، صداقت و امانتداری وی خاطره‌های خوبی به یاد دارند و از خوبی‌های وی نقل قول می‌کنند.

روحش شاد و یادش همواره گرامی باد.
(عمده این اطلاعات در گفتگو با حاج‌کریم جرجانی، برادر آن مرحوم عنوان شد.)

به یاد مرحوم دکتر منصور گرگانی



(۱۳۷۲-۱۳۰۷)

وکیلی لایق و خادم مردم

دکتر منصور گرگانی در اسفندماه ۱۳۰۷ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد. پدرش محمدآخوند گرگانی (جرجانی) نام داشت که سالیان زیادی نماینده دشت گرگان و ترکمن صحرا در مجلس شورای ملی بود. وی دوران ابتدایی را در دبستان ادب و متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر تهران به تحصیل پرداخت. پس از آن وارد دانشگاه حقوق شد و پس از دریافت لیسانس به کار وکالت در دادگستری پرداخت. **یکی از مهمترین دفاعیات وی در دوره وکالت، دفاع از خرده مالکانی بود که اداره املاک پهلوی زمین های آنان را غصب کرده و به افراد بیگانه و غیرمحملی می فروخت. در این ماجرا بارها از سوی سازمان امنیت وقت مورد تهدید قرار گرفت ولی او همچنان به کار خود ادامه می داد. از آن دوره وکالت وی می توان منتشر شدن کتاب مسأله زمین در صحرای ترکمن پس از انقلاب اسلامی اشاره کرد.**

منصور گرگانی به علت علاقه ای که به ترکمن صحرا و کار کشاورزی داشت در سال های ۳۴-۱۳۳۳ در تأسیس شرکت تعاونی کشاورزی، در روستای چن سولی آق قلا، فعالیت شرکت کرد که کشاورزان زیادی در آن تعاونی عضو شدند و فعالیت کردند و تأثیر بسزایی در بهبودی و سامان گرفتن معیشت روستاییان داشت که بعدها اراضی این تعاونی که در بین روستای چن سولی و انبار اولوم قرار داشت، توسط گارد شاهنشاهی غصب شد.

وی در سال های ۴۳-۱۳۴۲ به تحصیل در دوره دکتری اقتصاد پرداخت و به بعد به خاطر علاقه اش به منطقه گرگان و دشت، به گرگان آمد، تا فرصتی داشته باشد تا به کشاورزی، که نیمی از فعالیت های او را تشکیل می داد، بپردازد و هم به کار موکلان خود رسیدگی نماید. وی در سال ۱۳۴۴ با همکاری عده ای از کشاورزان منطقه، شرکت تعاونی کشاورزان گرگان و دشت را در گرگان تأسیس کرد و به خاطر مبارزه با انحصار پنبه، کارخانه پنبه پاک کنی احداث کردند تا کشاورزان پنبه کار، و ش تولیدی خود را خود تصفیه نمایند و این شرکت تعاونی از تعاونی های موفق کشور به حساب می آید.

۱. قتل کودک پنج ساله دهقانی موسوم به جعفر که	۵. ایراد ضرب و جرح به آقای سی سی فرزند حسن که
مورد ایراد ضرب فرمانده هنگ زاندارمری واقع شده است.	نشستی بسقط چنین میشود.
دلایل عبارتست از اظهار نظر و مشاهدات پزشکان	۶. زاندارمها همچنین اتوبیل جیب رجب بقی یکی از
گرگان و معاینات بازرسی دائر بر وجود خون در پیشانی و نیز	ارغان را به عنف گرفته و با خود برده اند.
گواهی پزشکی قانونی تهران. توضیح اینکه رونوشت گواهی	۷. مامورین به عنف دکاتی را خالی کرده و محل آبرای
دفن پزشک قانونی تهران چنین حکایت می کند (تاریخ	فعال نموده اند.
۲۱/۱/۲۶ شماره ۲۱۳۴ گواهی میشود که جسد آقای آق محمد	۸. عده ای از زنان مطا آباد شاکی هستند که هنگام
فرزند جعفر قریشی در این اداره ضد مغزونی شد. . . علت مرگ	نفتیش منازل مقداری از سکه های نقره و رتبت الاشی که در صندوق
خونریزی مغزی بوده است. رئیس اداره پزشکی قانونی. دکتر	داشتند به سرعت رفته است.
سید محمد طباطبائی) "	اعمالی که مامورین در روز ۴۱/۱/۲۱ در قریه جین سلی
۲. ایراد ضرب و جرح به بانو انابخت مطابق گواهی	مانگ شدند.
پزشک قانونی گرگان مدت درمان ۱۵ روز.	
۳. ایراد ضرب و جرح به بانو نواج گل مطابق گواهی پزشکی	
قانونی مدت درمان فعلاً پنج روز.	
۴. ایراد ضرب و جرح به بانو تابخی مدت درمان فعلاً	

بخشی از تحقیقات و دفاعیه دکتر منصور گرگانی درباره جنایتی که در حق دهقانان تورکمن شده بود (به نقل از کتاب: مسئله زمین در صحرای ترکمن)

دکتر گرگانی، پس از دریافت درجه دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاه‌های کشور پرداخت. وی کار نویسندگی و مطبوعاتی خود را از سال‌های ۲۸ - ۱۳۲۷ در مجله کاویان تهران آغاز کرد و گاهگاهی در مطبوعات دیگر هم مقاله می‌نوشت، تا این که پس از انقلاب بطور جدی به همکاری با مجله کشاورز پرداخت و مقاله‌هایی درباره اقتصاد کشاورزی، رابطه کشاورزی با پول، نقش مشکلات ارزی در کشاورزی و ... نوشت. از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب، اقتصاد گرگان و گنبد و دشت، اشاره کرد که رساله دکترای اقتصاد وی بود که به صورت جامع و کامل به‌عنوان یک کتاب چاپ و منتشر شد. وی در اواخر مشغول بازرگری این کتب و تطبیق آن با اقتصاد روز کشور و مسائل مبتلا به آن بود که اجل به او مهلت نداد.

دکتر منصور گرگانی به خاطر علاقه‌ای که به ترکمن صحرا داشت، در پایان بخشیدن به خانله گنبد در سال ۱۳۵۸ فعالانه شرکت نمود و آن را یکی از افتخارات زندگی خود می‌دانست. در مهرماه ۱۳۷۱ نیز در سمینار شناخت و رشد و توسعه گرگان شرکت کرد و سخنرانی وی با عنوان «نقش سرمایه در توسعه اقتصادی منطقه» به شدت مورد تحسین و تشویق مردم و مسوولان قرار گرفت که به‌عنوان سخنران نمونه هم معرفی شد.

دکتر گرگانی تا آخرین لحظات عمر خود در بستر بیماری مشغول فراگیری و تکمیل زبان فرانسوی بود. دکتر گرگانی در ساعت ۴ بعدازظهر ۵شنبه ۱۷ تیرماه سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت. نامش جاودان و یادش گرامی باد.



روزنامه اطلاعات ۱۳ فروردین ۱۳۵۸

تحقیق و تنظیم: آقمیرات گورگنلی

نهم سپتامبر ۲۰۰۹

منبع:

هفته نامه اقتصاد گلستان

روزنامه مذاکرات مجلس شورایی ملی

روزنامه شمال ایران

با تشکر صمیمانه از ر. جرجانی

